

در تمام اخبار و مجله‌های ایران

حقیقت

شماره ۱۵۸ ۴ اردیبهشت ۱۳۶۱

مسئله فرمانداری نیروهای انتظامی و

دعویای کودتای درون حکومت

و صفت نامیک معلم شهید

صفحه ۲

یک دلیل اساسی که چرا باید دین از حکومت جدا باشد

((با چگونه از لحاظ اقتصادی روحانیت در پیوند با فئودالیسم

قرار دارد))

(۴)

مطرح شدن مجدد مسئله ارضی در هفته‌های اخیر در جاسم،
بها نه‌ای شده با ردیگر به این مسئله بررسی مختصری بنما شوم،
بررسی از این جنبه که در شرایط تلفیق دین با حکومت، یعنی
در شرایط اعمال رهبری ولایت از جانب فقیه و روحانیت است
منتصب به آن، دهقانان ایران نصیحت‌ناشدند اساسی ترسین
خواست اقتصادی خویش، یعنی زمین، دست یابند به بیسین
جهت تهرای روشن نمودن این مطلب از لحاظ نظری، در مقاله
قبلی به بررسی و تحلیل سخنان اخیر آیت الله مشکین‌نسی
پرداختیم. در شماره قبل نشان دادیم که وقتی دین مبنی‌سای
حکومت قرار گیرد و احکام اسلامی به‌مراهی فقه شیعه مبنی‌سای
نیاست رژیم کنونی باشد، حتی تجدیدنظر موقتی در احکام
اسلامی تحت عنوان اعمال ولایت فقیه بقیه در صفحه ۲

دعویای قدرت و مسأله جانشینی

مسئله تعیین جانشین برای آیت الله خمینی از چندین
بیش بخصوص بعد از مصاحبه‌ای که خاتمه‌ای با خبرنگار مجله
آمریکایی نیوزویک انجام داد در اخبار احتمال تشکیل یک شورای
سه تا ه نفره را برای جانشینی "رهبر" اعلام نمود. بعنوان یک
بوضوع حاد سیاسی مورد توجه قرار گرفته است.
البتة از مدتها پیش از این سخا طرفش خمینی در نهضت
غداستبدادی و ضد امپریالیستی که منجر به انقلاب به‌سین و
سیاهای آن شد مسئله جانشین با جانشینان احتمالی او در
جاسمه ما مطرح بوده است. حتی زمانیکه در اینبار یعنی گذشته
نخستین در لایحه کلمات، این موضوع هر چند یکبار لمس شده که
سیار از تحولات آینده به مسئله انتخاب جانشین برای
خمینی گره خورده است.

بعد از کودتای استبداد و اوایل سال ۵۶ که زیر سلوای
برقراری ولایت فقیه صورت گرفت جا بجا خمینی در حکومت ایران

بیانیه نظامی شماره ۶ سرداران

مردم پهلوان ایران!

روز و شب ۹ فروردین حدوداً مدت دو روز بعد از ظهر صدای
شلیک گلوله‌های سرداران در جنگل‌های مازندران با ردیگر
مزدوران با سادار خمینی را ارتش به فراری مفتوحانه واداشت و
خوابهای خوش دین را که تسلیمات کرکننده اش انگار خودش را
هم به استبداد نداشت بود برهم زد. رادیو، تلویزیون، سخنرانی-
های فتنه انگیز ما م جمعه‌ها و روزی نامه‌های رژیم کودتای حاکم
داد و فریادهای زیادی برآوردند خسته بودند که "گارسر سرداران
تمام شد... جنگلهای شمال پاکسازی شدند" و غیره. با نداشتن
حتما این قصه شاه پهلوان را با ور کرده بود که جرئت کرده گروه‌های
گشتی خود را روانه جنگل کند!

پاسداران خمینی در این روزها از شناسایی عمل استقرار
سخن از نیروهای مابعد میال خود قصد داشتند با اقا قلمگیرکنند
سهمین خاطر طرح معا مراه را ریخته و در سنگرها مستقر شده بودند و
لایمست از موفقیت اولیه بودند که تا گهان با ران گلوله‌سای
سرداران اجل معلق را در نظرشان آورد! مفلوکها آنقدر

ترسیده بودند که دوبای اقا فقه فرس کرده و با به فرار گذاشتند و
برای آنکه سیکتر بشوا نندازم بلکه جان بدر برند ضایبهای فشنک
بود که بر زمین می ریختند و میگریختند!

سرداران، وزندگان که با شلیک اولین گلوله‌سای
خود در ۱۸ آبان ۱۳۶۰ جبهه مقاومت مسلحانه را بر علیه حکومت
خون و شلاق خمینی جتا بتکا را اعلام کردند و در جنگلهای قهرمانان
خود در جنگل و آمل آنرا تا بحال ادامه داده‌اند، تا زهد آغساز
راهند. این مرتجعین کوردل بدانند که جنگ ما ادامه خواهد
داشت، ارتش ما روز بروز گسترش خواهد یافت و ملت قهرمانان
ایران به جوانان از جان گذشته خود خواهد پیوست تا ایسران
عزیز را از دست گمانی که به خون شهیدان انقلاب ۲۲ به
خیانت کرده و دستگا آدمکش و سربریدگی برآوردند خواهند
سازد. سخن ما با خمینی جلاد نیست که:

باش تا صبح دولتت بدیدم کاین هنوز از شایخ سحر اصصت
(سرداران) ۱۳۶۱/۱/۱۴

سقه از صفحه اول
 مسئله: جانشین ۵۵۵۵

کارنامه‌های سرشار از زکینت و ورزی مشترک با هر چه نشان می‌آورد
 خواهی در ایران داشته‌است در این یکسال دست زده کرده‌اند.
 اما، انتخاب نکنیم! گمان نکنیم که بیجا برای جدال پس
 سر جانشینی خمینی در میان حکومتیان موضوعی است بی اهمیت
 که نوجوه‌ها و فروری ندارند. چرا که این مسئله همان‌گونه که
 بزودی مسئله اصلی دست‌مندی‌های درون حکومت است و با زمان
 دادن و برپا ساختن قیام‌نموده‌های مردم‌پرطنیه این حکم دست‌آزاد
 جمله به شرحه تفادها و درونی اردوی دشمن سبب نیاز حتمند
 است. مقدار قابل توجهی از مصالح مبارزه آینده در همسایگی
 کشاکشها نظمه می‌شده و شکل می‌گیرد. ثرات خود را در جریان
 نه چندان دور در نبرد فطمی "تنگار خواهد ساخت".

از این گذشته، از مدت‌ها پیش آشکار شده است که امپریالیسم
 آمریکا واردی امپریالیسم غرب به‌طور کلی بسیاری از مسئله‌های
 خود را برای روی کار آوردن یک حکومت "آمریکائی" در ایران
 به بعد از مرگ خمینی موقوف کرده است و در بسیاری از مقاصد
 و گیزا رشات جریان‌ات مختلف امپریالیسمی در آمریکا است
 مسئله بوضوح شما می‌چشم می‌خورد. شما برای روشن است که
 آمریکا در مسئله تعیین جانشین برای خمینی فعالیت‌های بسیار
 دخالت خواهد کرد. تا این جانشین جانشینی باشد که در درجه
 اول زمینه‌سازی برای روی کار آمدن یک حکومت با بطن
 آمریکا در زیر چتر حمایتی بتواند صورت گیرد و در ثانی راه را
 هر چه بیشتر بر حضور اندیشه‌های انقلابی یا جامعه‌پرگوشیم
 نوع اندیشه‌ها امپریالیسم آمریکا در میان مردم بسازد.

شوری و اردوی او نیز که در ایران همراه با همه احزاب
 دست نشانده‌اش در راه است از لایحه تقمه سرما به گذاری کرده
 است. علمبرقما متیازانی که بیگانه‌آورده است در شرایط کنونی
 هم‌خطرات ناشی از کنار رفتن خمینی و هم‌احتمالانی را که با
 جاگزینی می‌تواند برای رشد و توسعه نفوذش در ایران ایجاد
 کند را می‌شناسد و در این رابطه برنامه‌ها دارد.

بنابراین مسئله جانشینی خمینی می‌تواند منتهی
 تحولات مهمی در دست و پوی آینده جامعه ما باشد و از این نظر
 نیز باید به آن توجه کرد و در ارزیابی از شرایطی که می‌سازد
 فعلی و آتی ما در آن جریان می‌یابد تا رد خیل نمود.



از مدتی پیش از این در زمینه‌های گوناگون بنیاد و
 آشکارا ما شاهد جدال قدرت بر سر مسئله جانشینی خمینی بوده
 ایم. در هر ایدوا علامیه‌ها، جهت اسلام منتظری به لقب آیت‌الله
 و نگاه آیت‌الله العظمای مفسر می‌شود تا بتواند برای
 فردای "مبادا" که هر روز به امروز نزدیکتر می‌شود به نصیب
 انکاهی باشد. حزب جمهوری اسلامی، جامعه روحانیت و بطور
 مشخص جریان‌های در حزب که به رهبری سید حسن آیت‌الله عمل می‌کند و
 دنباله جریان کاشانی و حزب رنجندگان ملت ایران می‌شود
 است از کوشش پیش منتظری را بعنوان کسی که با بیجا بگزین
 خمینی به رد تبلیغ نمودند. در آن روزها که جدال تبلیغاتی
 با نیروهای انقلابی دمکراتیک و همچنین با تمام پلای آزادخواه
 جامعه امیرالیا جریان داشت تقریباً حکومتیان ما این برنامه
 که اول بار در آن شوا رگه‌هایی مطرح شده بود، در اساس مراغسوق
 بودند. تا اینجای کار مسئله روشن بود، منتظری می‌رود و منتظری
 می‌آید و راه برای استبداد جویان می‌بندد و خود را مکتب
 مطلق انسان ترش را هم می‌گیرد. اما دورنگان و طایع و از سوال
 با شدت گسری مبارزات و مخصوص همگان می‌بقیه در صفحه ۵

جا بگاه خمینی در حکومت ایران به مرتبه‌ای رسید که اینک طبیعت
 است که مسئله‌ها بگیری وی به‌ترین مسئله در ارتباط با
 آینده حکومت کنونی ایران باشد. مگر نه اینست که مطابقت
 سرد است و رایج حاکمان "رهبر" در واقع بر جان و مال و نفسی
 مردم حتماً مسلط است و مگر نه اینست که مشروعیت همه نهادها و
 ارگانها و عملکردهای آنها همه به اراده "رهبر" مشروط شده
 است؟ ما برای جای تعجبی نیست که خطه ناشی از عدم در هم
 موقیبت سیاسی برای تشنگان قدرت در میان "پيروان عبط" و
 "یاران امام" و غیره و غیره خواهد بود و هم‌اینکه برای هر همتای
 از اینان موقعیتی حساس و خطرناک خواهد بود اگر چه چنگ زدن
 جریان دیگری این جا بگاه و منصب می‌تواند منجر به نابودی دست
 دیگر شود. به‌قراری حکومت استبداد مطلقه، فقا هت بجای جمهوری
 که هم‌حکومتیان و مشاطه‌گران حکومت در اینجا آن دستها کشی
 آورده دارند، جنابش تاریخی بود که آنان برای حفظ منافع
 در خطر افتاده‌شان در برابر موج آگاهی و بیداری دمکراتیک
 و استقلال طلبانه ایرانیان سرکوب شدند و امروز دست همسین
 موقعیت گدما حصول آن انحصار طلبی‌ها و خودسری‌های ارتجاعی
 بود. برای حکومتگران کودتا وضعیتی خطرناک و متزلزل را
 طبیعتاً ایجاد می‌نماید.

مسئله جامعه ایران بخصوص در پشت‌پرده‌ها می‌کند در برابر
 دیدگان خلق کشیده‌اند و برنامه‌های است که برای استفاده از
 موقعیت حساس تعیین جانشین برای خمینی برنامه‌ریزی و تدابیر
 رگ می‌شود. مطابق شواهد تاریخی قرار بر این بوده است تا در
 اردیبهشت ماه مجلسی از خبرگان معمم تشکیل گردد و این مجلس
 یک شورای ۵ نفره را برای جانشینی خمینی معین نماید. اما
 منتظر می‌رسد که در باره چگونگی این انتخاب و کارندیدهای آن
 بی‌ظلمت جنگ قدرتی که پیش از آشکار در میان فدرنمندان درگیر
 است هنوز بسیاری مسائل مبهم است و بلا تکلیفی در جنگ قدرتی
 که پیش از آشکار در جریان است فعلاً سحر به سکوت عمومی در این
 مورد شده است.

در جدال قدرتی که در میان حکومتیان برای کسب سهم در
 حاکمیت پس از خمینی در گرفته است اگر از زاویه مصالح
 انقلاب ایران و راه رشد و تعالی جامعه و بیداری یک جمهوری
 دمکراتیک نوده‌های مردم‌نظر کنیم، برای مردم هیچ دسته و
 گروهی از اینان چیزی به‌ارمان نخواهند آورد.

کسانی که در دعوی کنونی درگیر شده‌اند، از قوا امرا مرکبه
 ضد سخن ارجل مشکلات و برچیدن تشنگانها و نجات مستضعفین و
 عیراه است که بگذریم. همگی چه از لحاظ اندیشه و مکتب هداست
 گسده‌شان و چه از لحاظ عملکردشان بخصوص در یکساله اخیر و چه
 از نظر سندها می‌کند از برنامه‌های آینده‌شان بی‌رونده‌اند. سبده
 در ضمیمه با حکوماتی دمکراتیک جامعه ایران مشترکند. آری،
 در اینجا و آنجا در زمینه‌های مختلف جناح‌های ضدبها می‌بندد و گاه
 می‌جانبه‌های ارجح می‌شود و گاه "جناحی چنان آشکارا می‌کند
 که جناح مقابل در ظاهراً کمترین و مرتجع به‌شخصی آید. اساساً
 واقعیت ما چرا و اساساً این است که تمام بدست‌بندی‌ها

نمی‌توانند مسئله دهقانی مبین مان راجل کنند. بررسی مبینان متکبری از آن جهت که ایشان به عنوان نماینده جناحی از روحانیت که اعتقاد به تعدید نظر موقتی در احکام اسلامی در مورد مسئله زمین دارند، حاشا اهمیت است. چه بخش باقیمانده از خرده بورژوازی سنتی در حکومت بها وعده اعمال ولایت فقیه و تعدید نظر در احکام اولیه اسلامی، دادن زمین به دهقانان را تبلیغ کرده و می‌کنند. (بررسی نظریات جناح‌های دیگری از روحانیت و حکومت که اعتقاد به چنین تعدید نظری ندارند، هند - اقل در طور توجه ضروری ما نیستند).

در این شماره مختصراً شرایطی را در مباحثه به گونه‌ای که در زمان روحانیت از لحاظ اقتصادی در پیوند با فتوای البشم روستایی ایران قرار داشته و دارد، تا کید ما در اینجا بیشتر به بررسی املاک موقوفه محدود و خواهد گفت، بررسی املاک موقوفه از آن جهت اهمیت دارد، که موقوفات یکی از اشکال بزرگ مالکی در ایران بوده و خود در طی قرن‌های متعاقب به استعمار مستقیم دهقانان با مضمون فتوای برداخته می‌پرداخته. در نتیجه ما زمان روحانیت برای ادامه حیات خود، تحت رهبری هر جناحی از آن با تعلق خاص طبقاتی اش، مجبور به فاسد موقوفات بوده می‌باشد. روحانیت و حکومت فعلی نیز جزو آن است. این فاعده نمی‌باشد.

اگر بخواهیم مسئله را در اینجا دو سبب تری بررسی کنیم، با مضمون متذکر تویم که در فقه شیعه ما زمان روحانیت برای حفظ گسترش خود در سه زمینه اساسی برای خویش قائل به حفسوق و منافع اقتصادی است. این سه زمینه عبارتند از انفال، خمس و ذکات و سهم ما مویا لاغره موقوفات.

۱ - در مورد انفال همین می‌گوید: "انفال اموالی است مخصوص مقام رهبری امام (ع) همچنانکه برای رباست الهی به منبر (ع) بود" (رساله نوین - مسائل اقتصادی ص ۲۸) روشن است که در زمان نبود امام (ع) جانشین او یعنی ولی فقیه کنترل انفال را در دست دارد. این اموال شامل اراضی کشاورزی بویژه مایر، دریاها، رودها، جزیره‌ها، جنگلها، اموال پادشاهان، معادن، غناشمنگی و... خواهد بود. یعنی تمامی شروت‌های جامعه کنونی ما و از جمله کلیه اراضی کشاورزی آن! که در شرایط حال با مضمون در بد قدرت رژیم ولایت فقیه و روحانیت منسب به آن باشد. اگر بخواهیم انفال در زمینه ارضی را در شرایط حکومت فعلی بررسی کنیم، با پسد گفت که روحانیت و حکومت فعلی منسب به آن بطور مستقیم کنترل اراضی موات (معروف به بندهال) و اراضی معادله شده ارزیم گذشته (معروف به بندب) را در بد قدرت خویش دارد. در این اراضی ما دهقانان بر مبنای نظام فتوای و نیمه فاسد فتوای رایج در حاشا روستایی، به شکل اجاره مویا مزارع سه روابط و مناسبات ما قبل سرمایه‌داری برقرار کرده و می‌کنند. این نوع اراضی بر مبنای مقوله انفال، با برقراری حکومت اسلامی، برای اولین بار در تاریخ ایران تحت کنترل مستقیم

فقیه در آمده است.

۲ - خمس و ذکات: که شومی مالیات اسلامی سرگروه، ما سه می‌باشد، با مضمون به روحانیون بطور مستقیم پرداخت شود. که خمس ۲۵٪ در آمد هر شخص و ذکات شومی مالیات جنسی است. بقول خمینی: "بهتر است که ذکا را به فقیده دهک او سه موقوفیت و محل صرف آن آشنا تر است، و چنانچه فقیده ما کم برای مصلحت اسلامیا مسلمانان حکم کند که زکو را به وی بپردازند، بی‌زوی از وی هر چند که از وی نقلند، نکنند و اجابت" (هماجا - ص ۱۹۹). در مورد خمس که نیمی از آن سهم امام می‌باشد، او می‌گوید: "نیمی از خمس... بدست ما کم ترع است... می‌دیند که سهم امام (ع) است نیز چیزی نیست با ما کم است. و با بد خمس را بدوی رساند تا انفراد جای خود به حسب نظر و فتوایش صرف کند" (هماجا، ص ۱۲۴).

روشن است که مالیات اسلامی، یعنی خمس و ذکات و سهم امام ناشی از آن، با مضمون بطور مستقیم به دست روحانیت برسد تا آنرا به ملاح خود خرج نماید. این شروت قابل ملاحظه‌ای است که در شرایط نظام شیعه فتوای روستاهای ما، از جانب فتوایها و شادی از جانب دهقانان تا مین شده و میشود. و از جمله موارد مهم استفاده از این شروت حفظ و گسترش زمان عربی و طویسل حوزه‌های علمیه می‌باشد تا بتوانند تسلط ایدئولوژیکی خود را بر جامعه حفظ نموده و نظام موجود را پاداری نماید. این زمینیه شروت از قرن‌ها قبل در بد کنترل روحانیت قرار داشته و بسا برقراری حکومت اسلامی، ایما دوسیع و بی سابقه‌ای یافته است. این جنبه از شروت که خود به عنوان نوعی بهره فتوای برگرفته دهقانان ایران سنگینی کرده و می‌کند، به همراه درآمد اراضی موقوفات منابع اساسی اقتصادی برای حفظ روحانیت و سازمان آن از گذشته تا حال بوده‌اند. با زمانی که پرورش روشنفکران سنتی ما قبل سرمایه‌داری را به مده داشتند و بطوریکه گزارش شده در دهه کنونی (۶۰ - ۱۳۵۰) رقم طسلا در ایران سه دهه را رنفر رسیده است.

۳ - املاک موقوفه شکنی دیگر از منابع اقتصادی است که روحانیت بطور مستقیم در کنترل و مالکیت داشته و آنرا از املاک خصوصی برخی فتوایها و با دهقانان تحصیل کرده است. بررسی موقوفات از آنجا که روحانیت بطور مستقیم بهره‌کنشی دهقانان، در قبل از برقراری حکومت اسلامی و بعد از آن، به بررسی داشته است، حاشا اهمیت است. ما در اینجا بطور اجمالی به بررسی موقوفات از قبل و بعد از برقراری جمهوری اسلامی پرداخته و مضمون فتوای این مالکیت را نشان خواهیم داد. نمونه مورد بررسی ما مهم‌ترین موقوفات در ایران، املاک آستان قدس رضوی در حاشان خواهد بود.

از جمله مالکیت‌های بزرگ ارضی در ایران یکی هم مالکیت بشکل موقوفه بوده است. این شکل از مالکیت بزرگ ارضی در ایران قرن‌ها در کنار مالکیت‌های فتوای، خالصه و درباری ادامه یافته و مانند آن به استعمار رتوده دهقانان پرداخته است. این نوع مالکیت یکی از منابع اصلی اقتصادی برای روحانیون و سازمان روحانیت بشمار میرفته و کما گمان می‌رود، در یک کلام اگر بخواهیم این املاک را تشریح کنیم، باید گفت:

"موقوفه صورت دیگر بزرگ مالکی بود و آن عبارت از ارضی و دهائی بود که وقف شده بود، و بر طبق قوانین شری و مذهبی اداره میشد. زمین‌های موقوفی چه بصورت بقیه در صفحه ۴

بقیه از صفحه ۳

یک دلیل اساسی ...

اجاره نامه مستاجرین سابق (که از نظر حقوقی رفا نوبنی صلاحیت اجاره آراضی فوق را نداشته و فقط بر اساس روابط درازمدت سابق در تصرف داشتند) و واگذار نمودن اراضی فوق به روستا - شبان و زارمین و اجده شرایط با انصافا اجاره نامه جدید - اساس رعایت ملاحظه و صرفه کثا و رزوا زمان اوقاف ... (همانجا ص ۷ و ۱۲). یعنی در یک کلام و بطور خلاصه ادامه همان روش استثنای نشودائی صورت شرعی و درجا رجوع توانین حکومت اسلامی ساخا شبکه از نظر حکومت فعلی "واجده شرایط" بسرای استنما ربا شند.

" وضعیت و موقعیت فعلی آستان قدس رضوی، نمونه گویای آن است که تحت رژیم کنونی چه بر سر دهقانان میهن ما آمده و چگونه ولایت فقیه ما بل و تا در به حل مسئله زمین به نفع دهقانان نیست، در جمله "محراب" شماره سوم، گزارش میسر از موقعیت فعلی املاک فوق ارائه شده است. در مورد جایگاه این املاک در "اطلاعات ارضی" اسلامی میگوید:

"... هنگامیکه لایحه تقسیم اراضی به شورای انقلاب رفت و به تصویب رسید شما [منظور طبسی، تولیت آستان قدس است] اعلام کردید که آستان قدس رضوی مستقل از دولت و بسرای خودش مقررات ویژه ای دارد؟! " (همانجا ص ۱۶۰)

در نتیجه املاک آستان قدس رضوی کاملاً از جریبستان "اطلاعات ارضی" رژیم اسلامی بدور ماند. ولی این بیسگ طرف فقیه است، طرف دیگر فقیه گسترش و رشد سرما آور با داین املاک در دوران حکومت نجیبی بوده است. با معادله شدن اراضی طا فوئیا ن نخراسان، بجای آنکه دهقانان از آن بهره اساسی را ببرند، متصرف بر اساس املاک موقوفه با فکشت، بررسی از طا فوئیا ن که بجای قرار از ایران، قرار در ایران را ترجیح دادند بودند. با پرداخت وجوه تفریحیه و با وقف نمودن قسمتی از املاک خود به آستان قدس به روش سنتی قرنهای گذشته، ابصا د این املاک را گسترش داده تا خود نیز به حیات تنگین خود ادا مده دهند. گزارش مجله "محراب" در این باره میگوید:

"و آیا به همین واسطه نبود که زور و زور و زور و زور - معناداری که در پیجوه انقلاب فراری شده بودند پس از چندی به دایقان شود و در پی شویبه شرعی مالکیتشان با انوسنی که آیت الله زاده ها در خراسان از اولاد سخنرستان آموخته بودند چهره گریه خود را دوباره تقدس بخشیده و از من عصمت با فتنه شرط اینکه عصبه مقدسه بیت را بپوشد و سر پر - هگی خود را با پرداخت وجوه تفریحیه عیب افاده علامتاً پند که این ضمانتی نبود برای ادا مده مالکداریشان" (همانجا ص ۱۶۰)

بدین ترتیب روشن میشود که املاک بزرگی چون آستان قدس رضوی از طریق روشهای بیخاری که بصورت زمین و پسرور بوده چگونه در حکومت اسلامی گسترش یافته است. بطوریکه گزارش مجله "محراب" نشان میدهد که تا مرور تصرف موقوفات استان قدس رضوی در دوران حکومت اسلامی، به هزاران هکتار بالغ گردیده است. در حالی که در رژیم صحنه پهلوی آن چند صد روستا تنها وزن میکرد.

خلاصه کنیم، روحا نیست منتسب به خمینی با برقراری حکومت جمهوری اسلامی مناسبات خویش را با نظام فئودالی و نیمه فئودالی ها که بر روستاها و ایران نه تنها قطع نگسرده که آنرا ادامه و شمیم بخشیده است. در وضع اساسی تفذیه اقتصادی روحا نیست از جا مده روستائی ما، یعنی فئودالیت و بقیه در صفحه ۵

وقف خاص و محدودت عام مشکل با زر عمده مالکی داشت. و با سیول و خالصه چندان فرتی نداشت. آستان قدس رضوی در خراسان از عمده مالکین بزرگ بشما رمیرست و از لحاظ طرز ادا رده املاک با مالکیت بزرگ تفاوتی نمیکرد.

(اجامه شناسی روستائی ایران - ضروری - ۱۳۵۵ - ص ۲۲ - تاکیدات از ما ست)

بدین ترتیب این املاک که با از جانب حکومت و فوئیه آنها برای شرعی جلوه دادن نظام فئودالی به روحا نیست و اگذا رنده و با مرور از دهقانان خرده مالک تحصیل شده یکی از اشکال مسده بزرگ مالکی در ایران بوده است. این املاک همانند سایر املاک بزرگ مالکی، به شیوه مزارعه که منطبق با فقه اسلامی است، اداره میشده است. یعنی یک استنما رفا شودالی تمام هیار. در یک کلام: "رعیت چه در ملک خرده مالکی کار میکرد و چه در املاک خالصه موقوفه به یک شکل و به یک نحو از بهره گیری میسند و توانین مزارعه در باره او به یک صورت اجرا میگشت" (همانجا تاکیدات از ما ست).

ولی املاک موقوفات در طی "رفرم" مهربا نجیبی دهسه ۱۳۴۰ چه موقعیتی پیدا نمودند؟ آیا تقسیم شدند و یا مستثنی شدند؟ بررسی و تجربیات نشان میدهد که املاک موقوفه در جریان "اطلاعات ارضی" رژیم شاه که کما کان دست نخورده باقی ماندند. بدین ترتیب که این املاک جز مستثنیات مرحله اول تفسیر گرفت. در مرحله دوم مشمول شق اجاره گشت که در اصل مالکیت و مضمون استنما رفا شویبه ایجا دند نمود. در مرحله سوم اگر چه قرار بود اراضی مشمول شق اجاره مرحله دوم تماماً تقسیم شوند، ولی هرگز چنین نشد. با دست کم در مورد اراضی موقوفات چنین نشد. بدین ترتیب در جریان اطلاعات ارضی شاه املاک موقوفه دست نخورده باقی ماند. یعنی همان تغییرات جزئی که در املاک بزرگ مالکی حاصل شد شامل املاک موقوفه نشد!! و اگر به خواهمی شما بزرگ مالکی در موقوفات را نشان دهم، با شاه به نمونه املاک آستان قدس رضوی گویا خواهد بود. در مورد این املاک در آستانه "اطلاعات ارضی" رژیم شاه با بدگفت: "املاک آستان قدس رضوی ۴۶۶ پارچه بوده و عبارت از ۶ دانگی تا دها ت (یک پای گا و) ، باغات ، قنوات ، آسیا و مرتع" (همانجا، ص ۲۷).

ولی در جریان "اطلاعات ارضی اسلامی" که قرار بسود دهقانان را با اعمال ولایت فقیه از قید و بند، بشودا لیم آزاد نما بد، بر سر موقوفات چه آمد؟ این بار نیز همانند دوران رژیم شاه، موقوفات جز مستثنیات قرار گرفت!! در لایحه ارضی صحنه شورای انقلاب (ولوا یح بعدی مطرح شده بر مجلس) حتی ظام موقوفات نیز در لایحه مطرح نشد. و بقولی آن "بندی" که با واقعا جیمشد، همین "بند" مربوط به موقوفات بود! آنچه شد تغییر و شد. بیلتی در اجاره بندی این اراضی و واگذاری آن به نور چشمی های حکومت خمینی بود. "کارنامه هشت ماهه ستاد مرکزی وضعیت های ۷ نفره، واگذاری زمین آنچه را که در باره موقوفات اعمال نموده، چنین گزارش میدهد: ..."

علیرغم اذکار مختلف که پیوسته در گفتار اندیشا آنجا که تا به امروز آشکار شده است همه گروه‌بندی قابل توجیه هستند. دسته اول جریانات مربوط به بورژوازی سنتی و ملاکین شهری و روستایی مربوط به آن می‌باشند، این جریانات که جناح قدرتمند حزب جمهوری اسلامی را در دست دارند می‌خواهند تا ایران را در نظامی از نوع دوران "رستاخیز معمر فاروقی" اما با تکیه بر ارزشهای اسلام در دست بکشند. این جریانات برای اجرای برنامه خود مسئول سازماندهی اشتباهی از نیروهای ارتجاعی، تکنوکراتها، افسران مرمقه بورژوازی و همچنین جریانات واخورده، جنبش هستند تا در یک تشکیلات فراگیر نظم مورد علاقه خود را متکی بر ساری بزرگ ایجاد نمایند. اگر قدرت کنسرم حزب جمهوری اسلامی چه در برخورد با جریاناتی مانند انجمن محبتیه و چه در برخورد با نهضت آزادی و گروه‌هایی مانند کمیته‌های واامت و غیره از یک چنین سیاستی پیروی کرده است. دسته دوم که از پیوند مراحمی به جز خمینی بهره می‌جویند و در زمان سرما به داران بسزری و ملاکین روستایی نیز یاران بسیاری دارند اما با به با زگردانن ایران به موقعیتی شبیه موقعیت مالهای قبل از انقلاب سفید چشم‌دوخته اند و زبیرلوی اسلام و انقلاب منافع نشود الهی و سرما به داران مضروب دربار شاه سابق را دنبال میکنند و با لافه دسته سوم که با راهی از روحانیون مرجع شده، اخیراً در آمریکا و با تمایلات قرون وسطایی و ارتجاعی خود به بورژوازی شهری و روستایی خود را آراسته است، راه اسلام فقط است و برقراری حاکمیت الهی در ایران را مدعی می‌باشند و ادعا می‌کنند که راه را گاه‌گاه‌ها تا ناآگاهان را زمین را برای تحقق اهداف ارتجاعیون قبلی و با بدتر از آنها هموار می‌کنند.

در این میان پیداست که چنانچه گفتیم آنها که بسزری جایگزینی خمینی خط و خط کشی میکنند تنها زمینه‌ساز انحطاط بیشتر جامعه ما می‌باشند. برای نیروهای خلق جدال برای جانشینی خمینی معنای شیواهدا است مگر آنکه بسزری جایگزین ساختن خمینی و رژیمش با یک رژیم دموکراتیک شده‌های مردم‌گوشند و دشمنان خلق را در شرایطی که برای کسب ثبات بیجان یکدیگر می‌کشند با چشم‌پوشی و صلح خلق در هم کوبند.

که با لایحه طرح برنامه‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی در جامعه ایران زده، ما معرکه بوجود آمدن تضادهای جدید و نالایی‌گریزی تضادهای قدیم در اردوی عدالت‌گرای که کودتا را با کارنامه "مری سرمدولایت فقیه" به انجام رسانده بود شکاف‌های عمیقی ظاهر گشت. مدتی تواریخ این شکاف‌ها را "منتظری امید است و امام" در جامعه متوقف کرده، سعدییت اسلام بزودی نما بنماید با نمود حزب جمهوری اسلامی در هیئت سه نفره معروف در یک مساعیه مطبوعاتی درباره قطع امید خود از منتظری هشدار داد و گفت اگر بنا شد که آقای منتظری طرح‌های از نوع بسند "ج" را حمایت کنند ما عت تا ست خواهد بود و اندک اندک آشکار شد که دودستگی‌ها با لا گرفتار است. جهت اسلام کروی حمله شدیداً الحقی در دفاع از آیت‌الله العظمی منتظری بریزدی و امثال او کسرد. در همین احوال انجمن فدیهاییت که از جمله در شکل انجمن محبتیه عمل میکنند و گویا با ملاحظه بد خمینی امر مبارزه با کمونیسم و الهاد را در این دوره ما له در دستور کار قرار داده بود اینک آشکارا با طرح مسئله "اعلیت" مراجع برای جانشینی خمینی و حتی در مسئله ملاحیت خود خمینی علامت سؤال گذاشت و به روشنی در جستجوی یافتن حایاهای مناسبی برای اجرای مفاد خود برآمد. ارسوی دیگر امثال جنسی از فقه‌های شورای نگهبان در نما زحمه به همین محبتیه عمل کرده و وجود تضادهای دیگری را که تا کنون مخفی مانده بود بر ملا نمود. فکس العمل گلیا بگانی نسبت به شعار "مرگ سرمدولایت فقیه" که در واقع شعار اصلی کودتاگران سال گذشته بود نیز نشان داد که دعوی کثونی بر اختلافات قدیمی میان مراجع فقهی نیروموشور بوده و آنرا تشدید نموده است. و انتظاری جز این هم نمی‌رفت چرا که با طرح اسلام بعنوان مکتب و راه و رسم حکومت طبیعتاً پای مصالح طبقاتی نیروهای مختلفی که ظاهراً در اسلامیت متحدند به میان می‌آید و ما هیت خطوط روشن تر می‌گردد. گلیا بگانی اخیراً خطا کرده است که اگر بسزری اقدامات "علاف شرع" مانند اجرای بند "ج" و غیره متوقف نگردد ما به تهران خواهیم آمد و اعتراضی وسیع را سازمان خواهیم داد. و از این اختلافات که همه گروهها و دسته‌بندیها را در حالیکه برای کسب دست‌بالا در فرادای عدم مقام رهبری جنگ و دندان تیز کرده اند بنماش می‌گذارد بسیار میتوان گفت.

با لگیری دعاها در شرایط کثونی جامعه یعنی در بحران اقتصادی و ناتوانی حکومت از حل مسائل اساسی خود البته ریشه در ما هیت طبقاتی حنا می‌های مختلف حاکمیت و ناتوانی طبقاتی مجموعه آنها از کشودن راه برای تثبیت حاکمیت ارتجاعی اسلامی فقطا هتی دارد، ولی حدت و شدت تضادهای طبقاتی مسئله عام معنی موضوع مورد بحث ما یعنی تعیین جانشین برای خمینی سرور کرده است. نیروهای مختلف حاکمیت مشغول سازماندهی در نیروهای مسلح و همچنین دستگاه بوروکراسی هستند و روحانیون با مطیع خود را نیز برای اینکه به مردم ولایت اعمال کنند میدان می‌فرستند اما آنچه که در کینه‌کشاکی‌ها جریانات ارتجاعی در میان جریانات و برنامه‌های ارتجاعی طبقات می‌باشد. دسته‌بندیهای گوناگونی که بوجود آمده اند

یک دلیل اصلی...

سهم ما و می‌بویزه در آن موقوفات کماکان حفظ شده و با بسزری و ستمتری بافته اند. علاوه بر مقوله: انفال میرزا به حکومت رسیدن قلیه و سرقراری ولایت اش، هما نظور که تجربیات ۳ ساله اخیر نشان میدهد بر مظاهر نفرت ما قبل سرما به داری در روستاها سوار شده و از آن تنفیه می‌نماید. به منابع اقتصادی روحانیت افزوده شده است. تمامی زمینه‌های فوق حکایت از وابستگی روحانیت حاکم، البته با تمایلات متضاد طبقاتی و درجات مختلف وابستگی، به نظام فئودالی و نیمه فئودالی جامعه روستایی ما دارد. حفظ چنین نظامی در روستاها، با دادن زمین به دهقانان و حتی مسئله ارضی به نفع این طبقه صاف جرت کامل داشته و دارد. اگر دهقانان اینسرمان بی‌خواهند مسئله ارضی راه‌شویه و مضمونی دموکراتیک به نفع خویش حل کنند، چاره‌ای به جز سرنگونی حکومت فقیه نخواهند داشت. امر مهمی که جدایی دین از حکومت و انحلال سازمان روحانیت را بدینال خودپه ارفان آورده و راه را برای پسگ انقلاب دموکراتیک در روستاها خواهد گشود.

مسأله فرماندهی نیروهای انتظامی و دخاریا کودتای درون حکومت

این رسیده ما سیم، ولی آنچه که تا بهمان عنوان شده از جمله به دو مسئله که ما قبلا نیز در مورد آن هشدار داده بودیم، اشاره میکند. یکی تخلفات و بی نظمی ها در روز و رات شب و رات بهیچ حناح های مختلف آنست که در این جا بصورت کاهش قدرت یکی (مهدوی کنی) به نفع حناح دیگری (ناطق ثوری) خود را نشان میدهند. همان طور که مهدوی کنی چندی قبل در سینار اسپهان با ساداران، گویش و نایب در الحاق یاه ساداران پیچ کیمته های زیر نظر خویش را سامان داده بود! دیگری شفا دما بین بوجود آوردن یک دستگاه مشترک حکومتی، که برای تشکیک حکومت خمینی حنبه، اما می دارد، با ساسم خان قاضی لغتسار است. یعنی سیستمی که هر جناح از روحانیت قبول خویش را داشته و با برقراری نظام خویش حکومتی در درون حکومت اسلامی است. ولی آنچه در این مسئله تا بحال منظر سردا نیست کسه حناحی با استفاده از حکمی مربوط مدکسته و در مورد ما شامل دیگری میخواستند است که کودتای کرده و جناح رفیعی را از میدان خارج کرده و صلاح سهمی چون کیمته ها را در قدرت خویش کبیرد، و یا آنکه کودتای فوق صورت بنبجه، قطعی خریده، خمینی بای خود را از آن با استنفا رجنس حکمی کنار کشیده باشد! در حال این مسئله هنوز ادا مدارد و ما آنرا دنبال خواهیم کرد.

یکی از مسائل مهم هفته گذشته، مسئله تسویه مرزهای نوای انتظامی از جانب خمینی به مناطق ثوری وزیر کشور بود. ابتدا اینطور مطرح شد که علاوه بر شیرازی و ژاندارمری کسه ها اوحقی سپاه را لحاظ انتظامات درون کشوری، نیز به بر قدرت وزیر کشور در آمده اند. و این اسکبره های نه مبینی ترکا هت قدرت کیمته ها و از جمله جناح مهدوی کنی که در برید کیمته ها را سمجه دارد. برای آنکه نشانهای از اختلافات درونی حکومت جنبه، طعی بخورد که در روزها مدهای عمر (اطلاعات تنبیه ۲۲ فروردین) بلانای عکس از مناطق ثوری و مهدوی کنی را ساسا یگند مگر جا ب بود که در آن سیدیکر لبقند سیرند!!! هور مطالب و شایعات مربوط به این خبر سرزبا ساسا بود که حکیم خمینی در این رسیده استنفا رجات، در این حکم منظم محسب آن دادن اختیار در مورد ژاندارمری و شیرازی به وزیر کشور بود و مطلبی در مورد کیمته ها در آن نبود! و مهم بر تاریخ صدور حکم نیز حدود یک ماه قبل یعنی ۲۷ اسفند ماه بود!! آنچه در این حکم میتوانست مربوط به کیمته ها باشد جمله مربوط کسه داشتن اختیار در "سایر موارد" بود، در حال این حکم با آنچه قبل از آن و راجع بدان در جاسه از جانب مناطق ثوری عنوان شده بود، مغایرت داشت، منظر سیر که اس مطلب هنوز به نتیجه قطعی نرسیده و ما سمنظر مطالب و رویدادهای آتی در

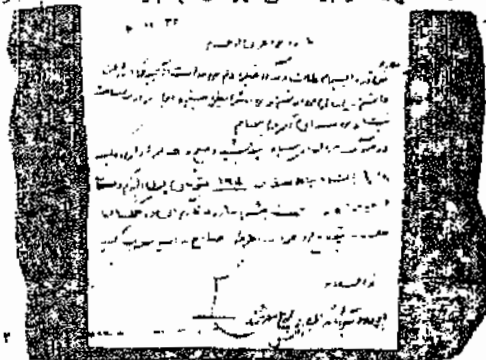
هستی ننگین استبدادگر بر باد باو!

یک شب مرد زمستانی تا ریک و بلینند
سربداران کرده اش نزد هم بنشینند
خورد و خواب و خستگی گوئی ز خاطر برده اند
نوشه بیگانه را در آرزو میباشند
آین یکی آماده میباشند خوشتر از
مجنه ردد دیگری از نوسنگ خوشتر را
نقشه و برتا مه و مسئولیت را را در میبینی
کفش و شرج و دلیلیش با رگوبه یک رمیق
شد سیاه و قلب جنگل صیقلی را از پیشش
شعله های هیزم آتش زده دویسج و شتاب
وفنی آتش قد کشید و صحنه را روشن نمود
عزم در چستان بران همه لبر بر سر بود
کفش گویا بان گرفت و سر به با لبس تفنگ
هر رقیقی خدمت روی بستر خاک و سنگ
شب سبایان میرسد چنم رفیقان خواب نیست
زانکه فردا روز خون تکلیف مرگ و رشک است
تا که با ران قصه منور لگا به باران کرده است
هر درختی دامش را جتر ما ران کرده است
با رسم بجهدهای مفرد فریبکسا دیساده
هستی ننگین استبدادگر بر باد باو!

در سوگ من لباس سیاه نبوشید و هیچ وجه عزاداری نکمید و از مادیات دنیا هم فقط این ۱۹۵ تومان بول دارم که فقط دلسم میخواند در جهت پیشبرد مبارزه کارگران و رجمتکنان مصرف بشود ولی خود هر طور ملاح میداند مصرف کنید. بر اضمحلام بیا در دبه همگی کارگران و رجمتکنان محمد علی معارضزاد (جای امضا)

و حقیقت با هر یک معلم مخمیر

آنچه در روز مسخو است و حقیقت نامه، یک معلم انقلابی و کمونیست است که اخیرا در شوشتر به جرم انتشار آگاهی و روشنی بخشیدن به مردم پیرامون خویش به آدمکشان خمینی سپرده شد و به قتل رسید. زندگی این معلم انقلابی بسیار فقیرانه بود و بقول مادرش او را با لباس شویی سرزک کرده سرد حکومت خمینی بدرگی جز کدبته اش و زندگی که هتا مری از رژیم میباشند خوشند، نداشت و همین آشنائی برخی عوامل حکومت ما گذشت سارا را تی او، استناد دلیل لازم و کالی برای بد جوخه اعدا سردن او سجد.



۶۰۰۱۲۰۲

مادر و خواهران ارجمند

مادر عزیز!

من دروا پسین لحظات زندگی خیلی دلم میخواست آن چیزی که در ذهن داشتم برایشان میگویشم ولی در شرایطی نبودم و این امر از من ها خنده نیست ولی بعنوان آخرین صفا تم: